

کتاب دانیال - شماره یکصد و هشتاد و سه

بنیان ابدی: مسیح در تاریخ نبوت و ایمان مؤمن

Jeff Pippenger

2024-04-13

«حقیقتی که پطرس بدان اعتراف کرده بود، بنیاد ایمان ایماندار است. همان است که خود مسیح اعلام کرده است که حیات جاودان است.» آن «حقیقت» دو جنبه از مسیح را مشخص می‌کرد. نخست این که مسیح عنصری از تاریخ نبوت است. نشانه‌های راهی که نمایانگر رویدادهای تاریخ نبوت اند، نمایانگر مسیح‌اند. پیوند او با آن رویدادها بر قداست نشانه‌های راه نبوت گواهی می‌دهد و مبنای منطقی این سخن مکرر خواهر وایت را فراهم می‌کند که باید از نشانه‌های راه پاسداری کنیم، زیرا آن نشانه‌ها عیسی مسیح را نمایندگی می‌کنند. نشانه‌های راهی که در زمان مسیح موضوع آزمون را نمایندگی می‌کرد، تعمید او بود، و با دیگر رویدادهایی در خطوط اصلاح مقدس، که با نزول نمادی الهی مشخص می‌شدند، هم‌راستا بود.

در خط اصلاح موسی، الوهیت فرود آمد و در بوته‌ای سوزان سکونت گزید؛ نمادی از اتحاد آفریننده با آفرینش. در خط اصلاح در پایان هفتاد سال، میکائیل فرود آمد تا کورش را برای اجرای فرمان نخستین توانمند سازد و در همان زمان دانیال به شباهت مسیح دگرگون شد. در خط اصلاح مسیح، روح‌القدس به صورت کبوتری فرود آمد تا پسر خدا را مسح کند، نماد اتحاد الوهیت با انسانیت. در تاریخ میلریتی، فرشته‌ای که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد «کسی نبود جز خود عیسی مسیح» که با کتابچه‌ای که قرار بود خورده شود فرود آمد، و او همان کتابچه بود. در آنجا نشان داد که اتحاد الوهیت و انسانیت از طریق خوردن و نوشیدن گوشت و خون نان آسمانی تحقق می‌یابد.

تاریخ مقدس به این دلیل مقدس است که حضور مسیح در آن مجسم است. پیشگویی‌های کلام خدا که رویدادهای آینده را مشخص می‌کنند، همان عیسی مسیح‌اند، زیرا او «کلمه» است. وقتی آن پیشگویی‌ها در تاریخ تحقق می‌یابند، آن رویدادها نمایانگر تحقق کلام او هستند، و کلام او حقیقت است. این کلام اوست که پیشگویی را بیان می‌کند، و این کلام اوست که هنگام وقوع رویداد تحقق می‌یابد؛ پس در ابتدا و در پایان، او عیسی مسیح است، زیرا او آلفا و امگا است. از این‌رو، هنگامی که پطرس اعلام کرد که عیسی همان مسیح و پسر خدای زنده است، او نشانه‌ای از راه را که همان عیسی مسیح بود، و نشانه‌ای را که در روزهای آخر به تحقق کامل خود می‌رسد، مشخص می‌کرد. یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تحقق کامل مسیح بود.

رد کردن تحقق نبوی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به منزله رد کردن مسیح، پسر خدای زنده، است. آن حقیقت، که پطرس بیان کرد، «بنیاد ایمان مؤمنان» بود، و در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مسیح قوم آخرالزمانی خود را به «راه‌های کهن» ارمیا بازگرداند؛ راه‌هایی که نمایانگر «بنیان‌ها»ی جنبش پیام‌های فرشته اول و سوم هستند. پطرس نماینده صد و چهل و چهار هزار بود؛ آنان که در دوره‌ای مهر می‌شوند که چهار فرشته چهار باد را بازمی‌دارند. زمان مهر دوره نبوی مشخصی است که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز می‌شود و در قانون نزدیک‌الوقوع یکشنبه به پایان می‌رسد. عیسی همواره پایان هر چیز را با آغاز همان چیز نشان می‌دهد.

در آغاز دوره مهرگذاری، فرشته مکاشفه باب هجده فرود آمد، چنان‌که روح‌القدس در هنگام تعمید فرود آمده بود، و آن فرشته «کمتر از خود عیسی مسیح نبود»، زیرا آن فرشته که در تاریخ میلری برای روشن ساختن زمین با جلال او فرود آمد، «کمتر از خود عیسی مسیح نبود». با فرارسیدن قانون

یکشنبه که به زودی خواهد آمد، «کسی نه کمتر از خود عیسی مسیح» بار دیگر فرود می‌آید و دومین دو پیام مکاشفه باب هجده را ارائه می‌کند، هنگامی که گوسفندان دیگر خود را از بابل فرا می‌خواند. در میانه دوره مهرگذاری، فرشته‌ای فرود آمد، چنان‌که فرشته دوم در 19 آوریل 1844، در نخستین ناامیدی جنبش میلری، فرود آمد.

میان آمدن آن فرشته دوم و آمدن فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، فرشتگان بسیاری فرستاده شدند تا با رسیدن پیام فریاد نیمه‌شب، بر قدرت فرشته دوم بیفزایند. در شرح آن برهه از تاریخ جنبش میلرایتی که این فرشتگان رسیدند، خواهر وایت می‌گوید که کسانی که این پیام‌ها را رد کردند، به همان قطعیتی که یهودیان مسیح را مصلوب کردند، آنان نیز مسیح را مصلوب کردند.

دیدم که چنان‌که یهودیان عیسی را به صلیب کشیدند، کلیساهای اسمی نیز این پیام‌ها را به صلیب کشیده بودند؛ از این رو راه ورود به قدس‌الاقداس را نمی‌شناسند و نمی‌توانند از شفاعت عیسی در آنجا بهره‌مند شوند. نوشته‌های اولیه، ۲۶۱.

پیام‌هایی که فرشتگان حامل آن‌ها هستند، وقتی رد شوند، نمایانگر به صلیب کشیده شدن مسیح‌اند، زیرا او تجسم آن پیام‌ها و تحقق تاریخی آن‌هاست. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، «نه شخصی کمتر از خود عیسی مسیح» فرود آمد و نخستین ناامیدی و آغاز دوره درنگ را رقم زد. استخوان‌های خشک و مرده قوم او در روزهای آخر، که در خیابان‌ها کشته شده بودند، می‌بایست با شنیدن تنها صدایی که می‌تواند مردم را به زندگی بازگرداند، بیدار شوند.

به راستی، به راستی، به شما می‌گویم: ساعتی می‌رسد و اکنون هست که مردگان صدای پسر خدا را خواهند شنید، و آنان که بشنوند زنده خواهند شد. زیرا همان‌گونه که پدر در خود حیات دارد، به پسر نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد؛ و نیز به او اقتدار داده است تا داور کند، زیرا او پسر انسان است. از این شگفت‌زده نشوید، زیرا ساعتی می‌رسد که همه آنان که در قبرها هستند صدای او را خواهند شنید، و بیرون خواهند آمد: آنان که نیکی کرده‌اند، به رستخیز حیات؛ و آنان که بدی کرده‌اند، به رستخیز محکومیت. یوحنا ۵:۲۵-۲۹.

در ژوئیه ۲۰۲۳، صدای او استخوان‌های خشک و مرده را به حیات فراخواند، و آلفا و امگا سپس آغاز زمان مهر را تکرار کرد، زیرا ژوئیه ۲۰۲۳ نشانگر دوره پایانی زمان مهر است. پس قوم او بار دیگر فراخوانده شدند تا به راه‌های کهنه ارمیا، به بنیادهای تاریخ میلریتی‌ها، بازگردند. پیام بنیادین آغاز و پایان میلریتی‌ها، یعنی پیام‌های نخستین و واپسین تاریخ آنان، «هفت بار» لاویان، باب بیست‌وششم، بود.

در ژوئیه ۲۰۲۳، به قوم آخرالزمانی خدا بار دیگر فرمان داده شد که کتابچه کوچک را بگیرند و آن را بخورند. هنگامی که کتابچه کوچک را می‌خورند، سپس آزموده می‌شوند تا معلوم شود آیا پیام وای سوم در مکاشفه فصل نهم (اخبار شرق) و پیام دانیال فصل یازدهم (اخبار شمال) را خواهند پذیرفت یا نه. فرایند آزمون ایشان را به آیات سیزده تا پانزده دانیال فصل یازدهم سوق می‌دهد، که نبرد پانیوم است، که همان قیصریه فیلیپی است و همان پیام فریاد نیمه‌شب است؛ جایی که دو طبقه که صدای او را شنیده‌اند آشکار می‌شوند: یکی «آنانی که کار نیک کرده‌اند، برای رستخیز حیات»، و دیگری «آنان که بدی کرده‌اند، برای رستخیز محکومیت».

در زمان مهر شدن آن صد و چهل و چهار هزار سه صد وجود دارد و همگی صدای «نه کمتر از شخص عیسی مسیح» هستند. صدای نخست مکاشفه باب هجده زمانی طنین انداخت که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک با لمسی از سوی خدا به زیر کشیده شدند. صدای دوم، صدای میکائیل، رئیس فرشتگان است که مردگان را از گورها فرا می‌خواند. صدای سوم، همان صدای دوم مکاشفه باب هجده است که در هنگام «زلزله عظیم» مکاشفه باب یازده، گله دیگر او را از بابل بیرون می‌خواند.

تحقق کامل اعتراف پطرس در قیصریه فیلیپی زمانی صورت می‌گیرد که مسیح قوم روزهای آخر خود را به «آن بخش از نبوت دانیال که به روزهای آخر مربوط می‌شود» رهبری کند.

پانیوم آیات سیزده تا پانزده دانیال باب یازدهم، همان «بخش» نبوت دانیال است که مهر و موم شده بود و پیام «فریاد نیمه شب» را مشخص می‌کند. پانیوم همان گردهمایی کمپ اکستر در اوت ۱۸۴۴ است؛ روایتی که در دوره دوم دونالد ترامپ تحقق می‌یابد، و همان پیام نبوتی است که مهر خدا را بر پیشانی‌های یکصد و چهل و چهار هزار نقش می‌زند. آیاتی که اکنون در حال مطالعه آنها هستیم، حریمی بسیار مقدس‌اند.

حقیقتی که پطرس بدان اعتراف کرده بود، بنیاد ایمان مؤمن است. همان است که خود مسیح آن را حیات جاودان خوانده است. اما داشتن این شناخت زمینه‌ای برای خودستایی نبود. نه به سبب حکمت یا نیکی خود او بر پطرس مکشوف شده بود. انسان هرگز به تنهایی نمی‌تواند به شناخت الهی دست یابد. «بلندایش به آسمان می‌رسد؛ تو چه می‌توانی کرد؟ از هاویه عمیق‌تر است؛ تو چه می‌دانی؟» ایوب ۸:۱۱. تنها روح فرزندخواندگی می‌تواند امور عمیق خدا را بر ما آشکار سازد، آنچه «چشمی ندیده، گوشی نشنیده، و به دل انسان خطور نکرده است.» «اما خدا آنها را به وسیله روح خود بر ما آشکار کرده است، زیرا روح همه چیز، بلی، امور عمیق خدا را می‌کاود.» اول قرن‌تین ۲:۹، ۱۰. «راز خداوند با ترسندگان اوست؛» و این که پطرس جلال مسیح را تشخیص داد، دلیل بر این بود که او «از جانب خدا تعلیم یافته» بود. مزمو ۱۴:۲۵؛ یوحنا ۶:۴۵. آه، براستی، «خوشا به حال تو، شمعون بن یونا، زیرا جسم و خون این را بر تو آشکار نکرده است.»

عیسی ادامه داد: «و من نیز به تو می‌گویم که تو پطرس هستی و بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد؛ و دروازه‌های دوزخ بر آن چیره نخواهند شد.» واژه پطرس به معنای سنگ است — سنگی غلتان. پطرس آن صخره‌ای نبود که کلیسا بر آن بنا شده باشد. دروازه‌های دوزخ بر او چیره شدند، آنگاه که خداوندش را با لعنت و سوگند انکار کرد. کلیسا بر آن یگانه‌ای بنا شد که دروازه‌های دوزخ هرگز بر او نتوانستند چیره شوند.

پیامی که مسیح در قیصریه فیلیپی به شاگردانش ارائه می‌کرد، پیام فریاد نیمه شب بود و هست، و آن پیام در چارچوب جنگی روحانی میان خدای یونانی، پان، که معبدش «دروازه‌های جهنم» نامیده می‌شد، و دو شاخ مرتد وحش زمین جای می‌گیرد. مکابیان قوم مرتد خدا بودند که مدعی بودند مدافعان کلیسای خدا هستند، در حالی که با دین یونانیان می‌جنگیدند. آنان خود را هم رهبران مذهبی و هم سیاسی معرفی می‌کردند. آنان نماینده پروتستان‌تیسم مرتد آن کلیساهای سقوط کرده‌ای هستند که، به همراه دولت ایالات متحده، اکنون صورت وحش را پدید می‌آورند و با دین جهانی‌گرایانه ووکیسم و مادر زمین می‌جنگند. شاخ‌های مرتد در نبرد خود با عناصر مذهبی و سیاسی جهانی‌گرایی غلبه می‌کنند، و در همان حال شاخ پروتستان حقیقی با زدوده شدن آخرین بقایای دوشیزگان نادان پاکسازی می‌شود، تا پیش از آن که در «زلزله عظیم» قانون یکشنبه که به زودی فرا می‌رسد، چون بیرقی برافراشته شود.

بخشی از نبوت کتاب دانیال که به روزهای آخر مربوط می‌شود و نیز مکاشفه عیسی مسیح و پیام فریاد نیمه شب است، به دست شیر قبیله یهودا در قیصریه فیلیپی، که همان پانیوم است، مهرش گشوده می‌شود. این گشودن مهر در میانه جنگی رخ می‌دهد میان وحش بی‌خدای برخاسته از هاویه و شاخ جمهوری‌خواهی که از سال ۲۰۱۵ به برانگیختن آن وحش پرداخت، و نیز بر ضد شاخ اصیل پروتستان‌تیسم که اکنون چون سپاهی نیرومند دوباره برمی‌خیزد.

حقیقتی که پطرس بدان اقرار کرد، نمایانگر نشانه راه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ است و نیز نمایانگر این واقعیت که مسیح پسر خدای زنده است. حقیقت آنچه در پسر خدا بودن عیسی نمایان می‌شود،

حقیقتی آزمایشی است؛ به همان اندازه یقینی که در روزگار پطرس آزمون این بود که آیا عیسی همان مسیح هست یا نه. اعلام اینکه عیسی پسر خداست، همه آنچه را که درباره هویت پسر مکشوف شده بود نمایندگی می‌کند. این تنها نشان نمی‌دهد که او پسر خدا بود، بلکه همچنین نشان می‌دهد که او پسر انسان نیز بود. این حقیقت تجسد الوهیت در انسانیت است؛ همان کاری که در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار به انجام می‌رسد. حقیقت «تجسد»، حقیقت پایان است که در آغاز به وسیله حقیقت «سبت» تمثیل یافته بود.

۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ روز ورود فرشته سوم بود. هرگاه فرشته‌ای می‌رسد، حقیقتی ویژه، متناسب با دوره‌ای که مهر آن حقیقت برداشته می‌شود، به دست شیر قبیله یهودا گشوده می‌شود و آن حقیقت سپس نسل همان دوره را که در آن گشوده می‌شود، می‌آزماید. در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، حقایق مرتبط با کار مسیح — که ناگهان به معبدی آمد که آن را در مدت چهل و شش سال، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، برپا کرده بود — آشکار شدند. کار داوری مسیح، شریعت خدا، نقش او به عنوان کاهن اعظم، موضوع نشان وحش و مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار، همگی گشوده شدند. به خواهر وایت نشان داده شد که در میان آن حقایق، حقیقتی بود که الفا و امگا آن را در نوری ویژه مشخص کرده بود.

وقتی دیدم فرمان چهارم درست در مرکز ده فرمان قرار دارد و هاله‌ای ملایم از نور آن را احاطه کرده است، شگفت‌زده شدم. فرشته گفت: «این تنها فرمان از میان آن ده است که خدای زنده را، آفریننده آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنهاست، معرفی می‌کند. هنگامی که بنیان‌های زمین نهاده شد، بنیان سبت نیز در همان هنگام نهاده شد.» شهادت، جلد ۱، ۷۵.

زمان مهر شدن آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر فرا رسیده بود، اما به سبب شورش سال ۱۸۶۳ به تأخیر افتاد. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرایند مهر کردن آغاز شد، هنگامی که مسیح، که به صورت فرشته نیرومند باب هجده مکاشفه نمایانده شده بود، با کتابی پنهان در دست فرود آمد؛ کتابی که قوم خدا در روزهای آخر می‌بایست آن را بخورند. آلفا و امگا همواره پایان را با آغاز نشان می‌دهد؛ از این رو در روزهای آخر حقیقت دیگری در پرتو ویژه‌ای قرار گرفت که مستقیماً با حقیقت سبت پیوند داشت؛ همان حقیقتی که بار نخست، هنگام تلاش مسیح برای مهر کردن آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، برجسته شده بود.

زمان آن فرا رسیده است که دانیال در قرعه خود بایستد. زمان آن فرا رسیده است که نوری که به او داده شده، چنان که هرگز پیش از این نبوده، به جهان بتابد. اگر کسانی که خداوند برایشان این همه کرده است در نور راه بروند، هرچه به پایان تاریخ این زمین نزدیک‌تر شوند، شناخت آنان از مسیح و از پیشگویی‌های مربوط به او به‌طور چشمگیری افزایش خواهد یافت.

کسانی که با خدا مشارکت دارند، در نور آفتاب عدالت گام برمی‌دارند. آنان با آلوده ساختن راه خویش در پیشگاه خدا، نجات‌دهنده خود را بی‌حرمت نمی‌کنند. نور آسمانی بر آنان می‌تابد. آنان در نظر خدا بی‌نهایت ارزشمندند، زیرا با مسیح یگانه‌اند. برای ایشان کلام خدا دارای زیبایی و لطافتی فراتر از وصف است. اهمیت آن را درمی‌یابند. حقیقت بر آنان آشکار می‌شود. آموزه تجسد با فروغی ملایم آراسته است. آنان می‌بینند که کتاب مقدس کلیدی است که همه اسرار را می‌گشاید و همه دشواری‌ها را حل می‌کند. کسانی که نخواستند نور را بپذیرند و در نور گام بردارند، قادر به فهم راز دینداری نخواهند بود؛ اما آنان که در برداشتن صلیب و پیروی از عیسی درنگ نکرده‌اند، در نور خدا خواهند دید. Manuscript Releases، شماره ۲۱، صفحات ۴۰۶ و ۴۰۷.

آموزه تجسد بیانگر این حقیقت است که الوهیت متحد با انسانیت گناه نمی‌کند، و نشانه کسانی که در پیام آخر به آن تجربه دست یافته‌اند، سبت است.

و نیز سبت‌های خود را به ایشان دادم تا نشانه‌ای باشد میان من و ایشان، تا بدانند که من خداوندم که ایشان را تقدیس می‌کنم. حزقیال ۲۰:۱۲

صد و چهل و چهار هزار نفر تا ابد مهر و موم می‌شوند، و خود فرایند مهر و موم، بازه کوتاهی را در پایان این فرایند مشخص می‌کند، درست پیش از قانون یکشنبه، زمانی که مهر نقش می‌بندد. در آن بازه کوتاه، الوهیت به‌طور دائمی با انسانیت درهم می‌آمیزد.

ای برادران، در کار عظیم آمادگی چه می‌کنید؟ آنان که با دنیا یکی می‌شوند، قالب دنیوی را می‌پذیرند و خود را برای نشان وحش آماده می‌سازند. آنان که به خود بی‌اعتمادند، در برابر خدا فروتن می‌شوند و با اطاعت از حقیقت جان‌های خود را پاک می‌سازند—اینان قالب آسمانی را می‌پذیرند و برای مهر خدا بر پیشانی‌هایشان آماده می‌شوند. هنگامی که فرمان صادر شود و مهر نهاده گردد، منش ایشان تا ابد پاک و بی‌لکه خواهد ماند.

"اکنون وقت آماده شدن است. مهر خدا هرگز بر پیشانی مرد یا زن ناپاک قرار نخواهد گرفت. هرگز بر پیشانی مرد یا زن جاه‌طلب و دنیا دوست قرار نخواهد گرفت. هرگز بر پیشانی مردان یا زنانی با زبان‌های دروغین یا دل‌های فریبکار قرار نخواهد گرفت. همه کسانی که این مهر را دریافت می‌کنند باید در نظر خدا بی‌لکه باشند؛ آنان نامزدهای آسمان‌اند. پیش بروید، ای برادران و خواهرانم. در این زمان تنها می‌توانم به اختصار درباره این نکات بنویسم و صرفاً توجه شما را به ضرورت آمادگی جلب کنم. خود شما کتاب مقدس را جست‌وجو کنید تا وقار هراس‌انگیز این ساعت حاضر را درک کنید." شهادات، جلد ۵، صفحه ۳۱۶.

بخش پیشین ممکن است چنین القا کند که مهر در هنگام قانون یکشنبه زده می‌شود، اما چنین نیست. خواهر وایت به‌روشنی بیان می‌کند که قانون یکشنبه بحرانی بزرگ است، و همچنین به‌وضوح تعلیم می‌دهد که شخصیت در بحران آشکار می‌شود، اما هرگز در بحران پرورش نمی‌یابد. از این جهت می‌توان گفت مهر در قانون یکشنبه زده می‌شود که در آن هنگام آشکار می‌گردد، زیرا آنان که در آن زمان مهر را دارند چونان بیرقی برافراشته می‌شوند. مهر در دوره‌ای کوتاه، درست پیش از پایان مهلت فیض، زده می‌شود، و برای حافظان سبت، مهلت فیض در هنگام قانون یکشنبه پایان می‌یابد. مهرزنی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، و در آن زمان هیچ‌کس مهر خدا را دریافت نکرد، زیرا همان‌گونه که دوره پس از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نشان می‌دهد، نخست باید فرایند آزمون برقرار می‌شد.

در هر جنبش اصلاحی، وقتی نماد الهی فرود می‌آید تا به پیامی که در زمان پایان مهرش گشوده شد قوت ببخشد، فرایند آزمون آغاز می‌شود. هنگامی که میکائیل فرود آمد تا کوروش را برای پیشبرد نخستین فرمان توانمند سازد، یهودیان آزموده شدند که آیا خانه‌ای را که طی هفتاد سال گذشته در آن زیسته بودند ترک کرده، به شهری ویران بازگردند و آن را بازسازی کنند یا نه. وقتی روح‌القدس در هنگام تعمید مسیح فرود آمد، یهودیان در موضوع مسیحا آزموده شدند. وقتی فرشته نیرومند مکاشفه ده در یازدهم اوت ۱۸۴۰ فرود آمد، آن نسل آزموده شد که آیا کتاب کوچک را خواهند خورد و هرآنچه را که آن کتاب کوچک نمایانگرش بود خواهند پذیرفت.

فرایند آزمونی در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آغاز شد که دو طبقه از پرستندگان پدید آورد، و آن طبقه‌ای که بره را به قدس‌الاقداس پی گرفتند، نامزد بودند تا در زمره یک‌صد و چهل و چهار هزار قرار گیرند. آزمون نهایی برای آن نسل، که در فرایند آزمون مردود شد، با رسیدن نور افزون درباره «هفت بار» در لویان باب بیست‌وشش آغاز شد. از ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۳، پیام لائودکیه‌ای دوره نهایی زمانی را در آن دوره‌ای مشخص کرد که با آمدن فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شده بود. آن دوره زمانی با آیات ۱۳ تا ۱۵ از باب یازدهم کتاب دانیال نشان داده شده است.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

'در ابتدا کلمه بود، و کلمه نزد خدا بود، و کلمه خدا بود، و در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز به واسطه او پدید آمد؛ و بدون او چیزی از آنچه پدید آمد، پدید نیامد. در او حیات بود؛ و آن حیات نور انسان‌ها بود. و نور در تاریکی می‌درخشید؛ و تاریکی آن را در نیافت.' 'و کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد، (و ما جلال او را دیدیم، جلالی همچون جلال فرزند یگانه پدر)، پر از فیض و راستی' (یوحنا ۱:۱-۵، ۱۴).

این فصل ماهیت و اهمیت کار مسیح را ترسیم می‌کند. چون کسی که موضوع خود را نیک می‌شناسد، یوحنا همه قدرت را به مسیح نسبت می‌دهد و از عظمت و جلال او سخن می‌گوید. او پرتوهای الهی حقیقت گرانبها را همچون نور خورشید می‌افشاند. او مسیح را یگانه میانجی میان خدا و بشر معرفی می‌کند.

تعلیم تجسد مسیح در جسم انسانی رازی است، «همان رازی که از اعصار و نسل‌ها پنهان بوده است» (کولسیان ۱:۲۶). این راز بزرگ و ژرف دینداری است. «کلمه جسم شد و در میان ما ساکن گردید» (یوحنا ۱:۱۴). مسیح طبیعت انسانی را، که طبیعتی فروتر از طبیعت آسمانی او بود، بر خود گرفت. هیچ چیز چون این فروتنی شگفت‌انگیز خدا را نشان نمی‌دهد. او «چنان جهان را محبت نمود که پسر یگانه خود را داد» (یوحنا ۳:۱۶). یوحنا این موضوع شگفت‌انگیز را چنان ساده بیان می‌کند که همه بتوانند مفاهیم مطرح‌شده را دریابند و روشن شوند.

مسیح وانمود نکرد که طبیعت انسانی را بر خود گیرد؛ او واقعاً آن را بر خود گرفت. او در حقیقت طبیعت انسانی داشت. «چنان‌که فرزندان در گوشت و خون شریک‌اند، او خود نیز به همان‌گونه در آن شریک شد» (عبرانیان ۲:۱۴). او پسر مریم بود؛ به حسب نسب انسانی از نسل داوود بود. او به‌عنوان انسان اعلام شده است، یعنی همان انسان، مسیح عیسی. «این شخص»، پولس می‌نویسد، «از موسی شایسته جلال بیشتری شمرده شد، زیرا آن که خانه را بنا کرده است از خود خانه حرمت بیشتری دارد» (عبرانیان ۳:۳).

اما در حالی که کلام خدا از انسانیت مسیح در زمانی که او بر این زمین بود سخن می‌گوید، درباره وجود پیشین او نیز به‌طور قاطع سخن می‌گوید. کلمه به‌عنوان موجودی الهی وجود داشت، یعنی همچون پسر ازل خدا، در اتحاد و یگانگی با پدر خود. او از ازل میانجی عهد بود؛ همان کسی که در او همه ملت‌های زمین، چه یهودیان و چه غیریهودیان، اگر او را می‌پذیرفتند، می‌بایست برکت یابند. «کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود» (یوحنا ۱:۱). پیش از آنکه انسان‌ها یا فرشتگان آفریده شوند، کلمه نزد خدا بود و خدا بود.

جهان به‌وسیله او پدید آمد، «و بدون او هیچ‌چیز از آنچه پدید آمد، پدید نیامد» (یوحنا ۱:۳). اگر مسیح همه‌چیز را آفرید، او پیش از همه‌چیز وجود داشت. سخنانی که در این باره گفته شده آن قدر قاطع‌اند که هیچ‌کس نباید در تردید بماند. مسیح ذاتاً، و در عالی‌ترین معنا، خدا بود. او از ازل با خدا بود؛ خدای بر همه، تا ابد مبارک.

خداوند عیسی مسیح، پسر الهی خدا، از ازل وجود داشت؛ شخصی متمایز، اما یکی با پدر. او جلال برتر آسمان بود. او فرمانده موجودات ذی‌شعور آسمانی بود، و تعظیم پرستش‌آمیز فرشتگان را به‌عنوان حق خویش می‌پذیرفت. این غصب حق خدا نبود. او می‌گوید: «خداوند مرا در آغاز راه خود داشت، پیش از کارهای دیرینش. من از ازل برقرار شدم، از آغاز، پیش از آنکه زمین باشد. هنگامی که ژرفاها نبود، من پدید آمدم؛ وقتی چشمه‌هایی که سرشار از آب‌اند وجود نداشت. پیش از آنکه کوه‌ها استوار شوند، پیش از تپه‌ها، من پدید آمدم؛ آنگاه که هنوز زمین را نساخته بود، نه دشت‌ها را، و نه بلندترین بخش خاک جهان را. چون آسمان‌ها را آماده می‌کرد، من آنجا بودم؛ چون دایره‌ای بر سطح ژرفا کشید.» (امثال ۸:۲۲-۲۷)

در این حقیقت که مسیح پیش از نهاده شدن بنیاد جهان با پدر یکی بود، نور و جلال نهفته است. این همان نوری است که در جایی تاریک می‌درخشد و آن را با جلال الهی نخستین، تابناک می‌سازد. این حقیقت، که در ذات خود بی‌نهایت رازآمیز است، حقایق رازآلود دیگر و حقایقی را که به شیوه‌ای دیگر قابل تبیین نیستند، توضیح می‌دهد، در حالی که خود در نوری دست‌نیافتنی و ادراک‌ناپذیر، مصون و محفوظ است. پیام‌های برگزیده، جلد ۱، صفحات ۲۴۶-۲۴۸.